



۲۰۱۶/۱۰/۲۹



مصطفی «عمرزی»



تفکر قبيله يي؛ مخصوص جوامع روستايي ست، فقط به ما نمي چسپد!

يکي از سوژه هابى که بهانه براي تاختن به پشتون ها مي شود، مقوله ي تفکر قبيله يي ست که فقط با بر شمردن زي ها و خيل ها در ميان شاخه هاي پشتون ها، اين تفکر را مخصوص ما کرده اند و بدون شناخت از ماهيت تفکر قبيله يي، فصلي براي هتاکي و بي حرمتي در برابر قوم ما قرار مي دهند. و اما با اين همه هياهو پيرامون تفکر قبيله يي، آيا نشاني اي وجود دارد تا تعريفی از اين تفکر دهد؟ آن چه را تاکنون به عنوان تفکر قبيله يي بر ما بهتان بسته اند، عبارت از کردار و پندار چند چپي، راستي و بنيادگراي افراطي ست که نمونه ي اعمال و تفکرات آنان در هيچ کجاي فرهنگ ما، پشتوانه نمي دهد و فقط بازتاب طرز تفکر چند آدم و آدمک است.

در اين مقاله، کوشش مي کنم مقوله ي تفکر قبيله يي را با توجه به خاستگاه هاي آن که همانا محيط روستايي ست، توضيح دهم.

جامعه ي افغانستان، اکثريت افغانان را در روستا ها جا داده است و مي دانيم که زنده گي روستايي، تنها مدلي جلوتر از مدل کوچي گري ست، يعني روستا نشين با همان دارايي هاي حيواني و انساني خويش مسکن گزين مي شود و با عادت بر سرما و گرمای فصل ها، خودش را آموزش مي دهد تا ديگر باره درگير طي طريق کره ي خاكي نشود. زنده گي روستاييان افغان از تمامی اقوام افغانستان که اکثريت مردم افغانستان را مي سازند، پس از رسيدن به مقام روستايي گري، مشغله ي ديگري مي يابد که تنها حفاظت از دارايي ها و هستي اي نبود که در گذشته ي کوچي اش ناگزير بود در همه حال، از آن ها مواظبت کند. اسکان او که نياز ها براي تامين معيشت اش را حتمي مي نمودند، او را در گرو همان منابع تامين زنده گاني اش يا زمين، نزديکاني که در امور خوش و بد، خانواري از نزديک ترين مردمان دور اويند، قرار مي دهد و در اين جا مي بينيم که محيطي همانند حصار قلعه ها به وجود مي آيد که مردماني از قرابت خون شريکي را گرد مي آورد و اين مردم که زنده گاني و بقاي شان از اين رهگذر تامين مي شود، اگر از پشتون ها باشند و يا تاجيکان و يا هم از اوزبيکان و هزاره گان، به شدت در برابر مردمان بيرون از محيط قلعه، ده و روستا، محافظه کار مي شوند و شدت اين حساسيت، در جايی که تهديد هاي بسيار کلان رونما نباشد، آنان را از حس مسووليت در برابر افراد بيرون از محيط خون شريکي و قلعه يي آنان، محروم مي کند.

تفکر قبيله يي در افغانستان را صرف با آوردن و ردیف کردن قبایل پشتون که ساختار مشابه آنان را ترکان و ده ها قوم ديگر همانند پشه بيان و نورستانيان نیز دارند، منحصر به پشتون ها کرده اند تا در کنار مکدر نمودن چهره ي آنان، فرهنگ هاي انساني و گرايش های اسلامي آنان را نیز تحريف کنند؛ اما در واقع، چنانچه حقيقت وجود و تفکر انساني، زماني برجسته مي شود که اندیشه در ميزان داوري عام قرار گيرد و کردارش مسيب خير و شر شود، جامعه ي پشتون هاي افغانستان باوجود تعدد و کثرتي که براي نام ها دارند، در جايي که مساله ي دين مطرح باشد و رعایت حرام و حلالی که خداوند مقرر کرده است، موضع قومي را فراموش مي کنند و در جايي که ارزش هاي انساني آنان، آنان را قناعت داده است تا ياور ديگران باشند، نیز از تفکر قومي، به کنار رفته اند. اين که چه عوامل ديگر در گرايش مردم ما به ارزش هاي ديني و انساني نقش

د پايو شميره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

دارند، برای پرهیز از سقوط در شوونیسم، قضاوت را کنار می گذارم و به بُعد دیگر قضیه می پردازم که برخلاف آن چه پیرامون تفکر قبیله برای پشتون ها، محدوده می سازند، مثال های زیادی وجود دارند که تفکر قبیله بی، خیلی شدید و حاد، جوامع غیر پشتونی را دربر می گیرد و اگر از مثال های فارسیستی و آسیای میانه بی آن بگذریم، دریافت پاسخ به این سوال که چرا و روی چه دلایلی، اقلیت های افغانستان- به خصوص آن گروه هایی که در زمره ی قابل ملاحظه می آیند، با پشتوانه ی عظیم کمک ها و حمایت های منطقه بی و فرمانطقه بی، حتی قادر نشدند در میان مردمان خودشان نیز اتحادي به وجود آورند که در هنگام موضع گیری قومی، آنان را برای خواب ها و خیال های شماری پشتون ستیز که همواره آرزوی ایجاد اتحاد واحد اقوام غیر پشتون در برابر پشتون ها را دارند، اگر بخشی از پاسخ ها عواملی چون خلط قومی، افتیده گی بخش بزرگ اقوام افغانستان در کنار هم و تقریباً در تمام جغرافیای افغانستان، احتراز از گرایش های قوم محور، باور بر ارزش های دینی است که گرایش ها قومی را نفي می کند و سایر عوامل مدیریتی و باز دارنده، یکی از مهم ترین تامل ها، ایست بر مساله ی تفکر قبیله بی مردمان اکثر آروستانشین افغانستان است که با ترسیمی از زنده گانی روستایی آنان، به خوبی آگاه شدیم در نبود تضمین محکم برای تداخل بیرون از زنده گانی قلعه بی و عدم قناعت برای پذیرش زنده گانی ای که مرز های منافع خاص بیرون از قلعه ها را می شکند، تفکر قبیله بی را مخصوص تمامی جوامعی کرده است که در جغرافیای جهان سوم، نمونه های برتر و کم تر دارند.

تجربه ی ناشی از بحران ها و حاکمیت های غیر مشروع که از زمان کودتای هفت ثور آغاز یافت، به درستی سند شد که تفکر قبیله بی حاکم بر يك پشتون، اوزبیک، تاجیک و دیگران، چه گونه مردمانی از يك قوم و يك منطقه را در میان ده ها جناح و حزب، چپی و راستی و اسلامیست جا داده بود و شگف تر این که این مردمان، هر کدام با مهر های چپی و راستی، در قریه ها و روستا های خویش و اگر بگویم در میان قلعه های خویش، نماینده گان افراد و جنگجویانی بودند که از شاخه های کمونیستی تا احزاب تنظیمی، بیشترین تبلور تفکر قبیله بی می شوند، فقط مدعا نخواهد بود. این همه رقیبان تنظیمی و حزبی که در نقد آگاهی افراد درگیر در احزاب افغانستان، پایین تر از بی سواد اند، چه انگیزه ای داشته اند تا میدان های جنگ افغانستان را در سطح دهکده ها و روستا های خویش کوچک کنند؟ پاسخ روشن است: تفکر قبیله بی آنان که آنان را برای مهم ترین منابع تامین و حفظ هستی شان انگیزه می داد؛ همان تفکر قلعه و روستا محور.

تفصیل آن چه آوردم با رویکردی که برای این نگارش اختیار کرده ام، ایجاب می کند تفکر قبیله بی را به دور از ذهنیت های قومی که تمامی منفی ها را مخصوص ما قلمداد می کنند با پژوهش ها و مستندسازی ها که فاکت ها و عطف توجه اش را در اختیار همه قرار دادم تا با تمرکز بر آن ها، حداقل از آدرس های گونه گون پی گیری کنند و در این جا یادآوری می کنم پسوند های نام های پشتونی مانند زی ها و خیل ها، پیش از آن که معرف طرز ی از تفکر باشند، کاربرد ادبیاتی دارند و تمام نام ها را در حوزه ی زبان پشتو، رنگ پشتونی می بخشند و فقط بخشی از کلمه ها در مقوله ی نام ها و صفت هایند. با برشمردن فلان زی و فلان خیل، تفکر قبیله بی «خاص» نمی شود و جامعه ی روستایی پشتون ها، جمع همه ی غیر پشتون ها، همه قربانی تفکر قبیله بی اند. ختم

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی